

## سیره و فرهنگ رضوی؛

### مبنای ادب پایداری

دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۰

محمود آقاخان بیژنی<sup>۱</sup>، اسماعیل صادقی<sup>۲</sup>، زهره خوانساری<sup>۳</sup>، اسحاق طغیانی<sup>۴</sup>

#### چکیده

کتاب‌ها و آموزه‌های دینی، سیمای معصومین (علیهم‌السلام) و سخنان و روایات سازنده آنان برای روشننگری و استبدادستیزی، از مبانی نظری مهم در ادبیات پایداری است که همواره انسان را به اخلاق نیکو برای رسیدن به رستگاری دعوت می‌کنند. بر این اساس، سیره و فرهنگ رضوی مبتنی بر فرهنگ پایداری، تأثیری شگرف در ادب فارسی داشته و جلوه‌هایی از پایداری را در شعر رضوی معاصر پدید آورده است. سیره و فرهنگ رضوی با توجه به وجود مرقد مطهر امام‌رضا (علیه‌السلام) در ایران اسلامی و بازتاب جلوه‌های پایداری تأثیرپذیرفته از آن در اشعار شاعران ایران‌زمین، همواره سرمشق زندگی ایرانیان بوده است. به همین دلیل، در این پژوهش برآنیم تا سیره و فرهنگ رضوی را به‌عنوان یکی از مبانی ادبیات پایداری تبیین و تحلیل کنیم. هدف این پژوهش، معرفی فرهنگ رضوی به‌عنوان یکی از مبانی ادبیات پایداری و بازنمایی آن در سروده‌های شاعران پایداری معاصر با رویکردی توصیفی - تحلیلی است. پس از یاری گرفتن از منابع گوناگون و نیز با توجه به وجود جلوه‌های پایداری تأثیرپذیرفته از موضوعات سیره و فرهنگ رضوی و بازنمایی آنها در اشعار شاعران پایداری، می‌توان سیره و فرهنگ رضوی را از مبانی ادبیات پایداری به‌شمار آورد.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات پایداری، مبنای پایداری، امام‌رضا (علیه‌السلام)، سیره رضوی، فرهنگ رضوی.

\* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «تحلیل مبانی دینی ادبیات پایداری (قرآن کریم و فرهنگ رضوی)» به حمایت دانشگاه شهرکرد است.

۱. دانشجوی دکترای ادبیات حماسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول): Aghakhani46@yahoo.com  
 ۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد: sadeghiesma@gmail.com  
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه شهرکرد: zkhwansary@gmail.com  
 ۴. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان: etoghiani@yahoo.com

## ۱. مقدمه

امام‌رضا (علیه‌السلام) هشتمین پیشوای شیعیان (۱۱ ذی‌قعدة ۱۴۸ - ۳۰ صفر ۲۰۳ ه.ق.) پس از شهادت پدر، در ۳۵ سالگی عهده‌دار مسئولیت امامت و رهبری شیعیان گردید (قمی، ۱۳۷۷: ۸۹۹). امام (علیه‌السلام) به زیور اخلاق فردی و اجتماعی آراسته بود و در معاشرت با افراد مختلف با رفتار و برخوردهای سازنده خویش، درس‌های آموزنده‌ای به همگان می‌داد. وی به همهٔ انسان‌ها - اعم از آزاد و برده، سفید و سیاه - ارج می‌نهاد و با خدمتکاران انس داشت و در موقع لزوم، با تذکرات لازم، یاران خویش را از فروافتادن در دام فساد و انحراف بازمی‌داشت (رفیعی، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

پایداری یکی از واقعیت‌های مهم زندگی بشری و محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری است (سنگری، ۱۳۸۹: ۶۵) که در کتب مقدس به انجام آن سفارش شده است. خداوند در قرآن متذکر می‌شود که نباید به بهانهٔ دوری از جنگ و تبعات آن، در برابر ظلم تسلیم شد زیرا این امر نشان‌دهندهٔ پذیرش زور است. به‌همین دلیل، به جهاد در راه حق و دفاع از اسلام و مسلمانان فرمان داده است و یکی از جلوه‌های والای آن، جان‌دادن برای رضای خداوند است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره/۲۰۷). بعضی از مردم جان خود را برای خشنودی خداوند می‌فروشند. خداوند دوستدار چنین بندگان است. با توجه به گستره و گونه‌های ادبیات پایداری و پیشینهٔ آن در ادبیات ایران، می‌توان آن را به گونه‌هایی چون ادبیات مقاومت ملی - میهنی (سنگری، ۱۳۸۹: ۶)، ادبیات مقاومت انسانی - جهانی و ادبیات مقاومت دینی - آیینی (آقاخانسی بیژنی، ۱۳۹۳: ۱۴) تقسیم کرد. بر این اساس، ادبیات مقاومت دینی و آیینی و آثار آن «یکی از جلوه‌های ادبیات پایداری ایران است که با الهام از آیات قرآن کریم، احادیث و روایات سروده شده‌اند و در نهاد این آثار دعوت به عدالت، ستم‌ستیزی، کرامت و عزت انسان، قدر دانستن نعمت آزادی و بسیاری از ارزش‌ها موج می‌زند.» (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

شاعران ادبیات پایداری تحت تأثیر درد مشترک و با توجه به رهنمودهای ائمه

معصوم (علیهم‌السلام) تلاش می‌کنند تا مؤلفه‌های پایداری مهم را در آثار خود منعکس کنند و بدین طریق مردم را ضمن آشنایی با سبک و روش مقاومت امامان (علیهم‌السلام) در راه مبارزه با اهداف عالی زندگی خود تشویق کنند. آنان در اشعارشان به مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری با تکیه بر مبانی اسلامی - اعتقادی می‌پردازند و مردم را نسبت به استکبار جهانی بیدار کرده و به جهاد در راه خدا، ترویج فرهنگ ایثار و روحیه شهادت‌طلبی و دوستی و توسل به امام‌رضا (علیه‌السلام) تشویق و تحریک می‌کنند.

آشنایی با سیره و فرهنگ رضوی و بازتاب آن در ادب پایداری، بررسی جلوه‌های پایداری تأثیرپذیرفته از سیره و فرهنگ رضوی در اشعار شاعران ادبیات پایداری معاصر (از جمله: امین‌پور، صفارزاده، موسوی‌گرمارودی، وحیدی و...) و معرفی آن به‌عنوان یکی از مبانی ادب پایداری، از اهداف این پژوهش است. این پژوهش به شکل بنیادی، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی با تحلیل شواهد درون‌متنی انجام شده است.

### ۱-۱ پیشینه پژوهش

با بررسی و جستجوی کتابخانه‌ای در مجله‌ها و سایت‌های معتبر علمی<sup>۱</sup> مشخص شد درباره مبانی ادبیات پایداری پژوهش‌هایی انجام شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. «بن‌مایه‌ها و مصداق‌های پایداری در صحیفه سجادیه» از تورج زینی‌وند و فریبا اکبرزاده (۱۳۹۴)، «حکمت عملی، بن‌مایه ادبیات پایداری ایران» نوشته محمدصادق بصیری (۱۳۹۳)، «استراتژی پایداری در برابر جنگ نرم با تکیه بر نهج‌البلاغه» از حسن مجیدی و ام‌البنین قزل‌سفلو (۱۳۹۲)، «بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن» از سید فضل‌الله میرقادری و حسین کیانی (۱۳۹۱)، «استقامت و پایداری در قرآن» نوشته سیدمحمد میرحسینی و همکاران (۱۳۹۰)، «مبانی نظری

1. sid.ir, magiran.com and irandoc.ir Noormags.com

دفاع مقدس در قرآن کریم» نوشته‌ی عباسعلی رستمی‌نسب (۱۳۸۹) و «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب» از ناصر محسنی‌نیا (۱۳۸۸).

در پژوهش‌های مذکور، قرآن کریم، نهج‌البلاغه، صحیفه‌ی سجادیه و حکمت عملی به‌عنوان مبانی ادبیات پایداری معرفی شده‌اند. اما هیچ پژوهشی تاکنون سیره و فرهنگ رضوی را - با توجه به بازتاب آن در اشعار شاعران پایداری ایران‌زمین - به‌عنوان یکی از مبانی ادبیات پایداری معرفی نکرده و این پژوهش درصدد تبیین و تحلیل چنین مسئله‌ای است.

## ۲. بحث اصلی

از بین حوادث عمیق مذهبی و تاریخی، علاوه بر واقعه‌ی کربلا و شهادت حضرت علی (علیه‌السلام)، سفر امام رضا (علیه‌السلام) از مدینه به خراسان بیشترین نمود را در شعر شاعران پایداری داشته است. علت این توجه بسیار این است که در ایران، مقارن شکل‌گیری جریان شعر و داستان نوین مذهبی، دو اتفاق بسیار مهم صورت گرفت که الگوگیری از ائمه (علیهم‌السلام) و امام‌رضا (علیه‌السلام) و عظمت آن را در ادبیات امروز فارسی پررنگ‌تر کرد: یکی پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی حکومت مردم‌سالاری دینی و دیگری دوران دفاع مقدس است. به‌طور طبیعی، انقلاب و انقلابیون به‌دلیل وجود مرقد امام‌رضا (علیه‌السلام) از زندگی، صبر و بردباری آن حضرت الهام گرفته و این الهام نیز در شعر رضوی و پایداری انعکاس ویژه‌ای یافته است (محدثی‌خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۴۱). از آنجاکه ادبیات در یک جامعه به تولید آثاری ماندگار می‌پردازد که می‌تواند نتایج مهم و تأثیرگذاری را در همان جامعه و جوامع دیگر رقم بزند، بهترین راه و عملکرد در به‌نمایش گذاشتن سیره‌ی اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و دینی امامان شیعه (علیهم‌السلام) به‌ویژه امام‌رضا (علیه‌السلام) در قالب‌های هنری شعر و داستان است که می‌تواند تأثیری عمیق در اثرپذیری از زندگی این امام بزرگوار بر روحیه مسلمانان و همچنین غیرمسلمانان داشته باشد و

آن را به الگویی برای سعادت بشری تبدیل کند.

از دیرباز دغدغه‌دستیابی به زندگی معنادار یکی از اساسی‌ترین نگرانی‌های آدمی بوده است و در هر مقطعی که توانسته پاسخی برای آن بیابد، زندگی پویا داشته و آنگاه که از درک این مهم ناتوان شده، رو به پوچی و بی‌معنایی نهاده است. «انسان موجودی هدفمند است و زندگی‌اش در صورتی معنا می‌یابد که هدف واقعی‌اش را بشناسد و به دنبال آن برود. اگر کسی هدف زندگی خود را تشخیص داده باشد، برای رسیدن به آن باید از موانعی عبور کند تا به آن دست یابد» (ادیبی‌سده، ۱۳۸۱: ۳۲). شعر پایداری معاصر با استفاده از پشتوانه‌های دینی و مذهبی و تکیه بر تاریخ صدر اسلام، مردم را به قیام عمومی و خیزش‌های اجتماعی تشویق می‌کند.

«با پیروزی انقلاب اسلامی، آرمان‌های اسلامی و انقلابی این طیف از شاعران به تحقق پیوست و روزه‌های امیدی برای گشایش حوزه‌های جدید، پیش‌روی شعر معاصر ایران قرار گرفت، اما وقوع جنگ تحمیلی تمام توجهات را به سوی خود جلب کرد و برای شاعران این جریان، در کنار بیان آرمان‌های انقلاب، مسئولیت تازه‌ای ایجاد شد و این وظیفه، انعکاس مظلومیت ملت ایران است.» (طاهری، ۱۳۸۷: ۳۱).

ادبیات پایداری در راستای این تعهد، جایگاه محکمی به دست آورد و تأثیری ژرف بر ذهن و اندیشه‌ی دل‌سوختگان و عاشقان انقلاب گذاشت و هر کسی به سهم خود، در ادای دین و رسالت دینی خود، نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کرد چنان‌که این مقوله‌ها رابطه تنگاتنگی میان سیره و فرهنگ رضوی و شعر پایداری معاصر با رویکردی تواردی، الهامی و اثرپذیری بنیادین و آرمانی فراهم کرده است.

بخش وسیعی از آثار ادبی شاعران ایران زمین را مضامین اخلاقی، توجه به ساحت‌های متعالی انسان، الگوگیری از شخصیت‌های مذهبی، معنویت و وحدت‌گرایی، دعوت به بیداری و نوع‌دوستی، ترک ظلم و مبارزه با ظالم، لزوم صبر و امثال آن تشکیل می‌دهد. این بخش از شعر شاعران سعی در ارتقا و پرورش روح انسانی دارد و هدف غایی آن نیز نیکبختی و خوشبختی انسان در سایه گسترش صلح و عدالت‌محوری

است (آقاخانسی بیژنی، ۱۳۹۳: ۴۵). ادبیات پایداری با توجه به رویکرد اعتقادی و معناگرایانه‌اش بازگوکننده دردها و رنج‌هایی است که در برهه‌ای از زمان و از سوی دشمنان داخلی و خارجی بر ملتی تحمیل می‌شود (سنگری، ۱۳۸۹: ۳۸). در اشعار پایداری به بیان قهرمانی‌ها و جانفشانی‌های بزرگان دین و همچنین قهرمانان سرزمین ایران اسلامی در جهت دفاع از سرزمین، ارزش‌ها و آیین‌شان پرداخته می‌شود.

## ۱-۲ سیره و فرهنگ رضوی، مبنای ادبیات پایداری

سیره و فرهنگ رضوی رویکردی در ادبیات پایداری فراهم آورده است که لازمه بررسی آن نگرشی کاملاً فرهنگی به ادبیات پایداری است. در این رویکرد بیشتر بر جنبه‌های فکری و فرهنگی ایرانی - اسلامی تأکید شده و مبانی نظری موضوع، دفاع از جهان‌بینی اسلامی و تفکر شیعی است. بنابراین، جلوه‌های آن نیز نمود فرهنگی دارد و نوعی از ادبیات پایداری را شکل بخشیده که ادبیات پایداری دینی و آیینی خوانده می‌شود و موضوع آن بازنمایی سیمای مبارزاتی امام‌رضا (علیه‌السلام) و فرهنگ پایداری رضوی است.

### ۱-۱-۲ جلوه‌های پایداری در سیره و فرهنگ رضوی و شعر پایداری معاصر

#### ۱-۱-۲-۱ صحن حرم؛ الگوی وحدت، صلح و بشردوستی

وصف خراسان و حرم مطهر امام‌رضا (علیه‌السلام) و آرزوی زیارت بارگاه آن حضرت، از موضوعاتی است که شاعران پایداری به آن پرداخته‌اند. وجود مرقد پاک و مطهر امام‌رضا (علیه‌السلام) در مشهد، نماد صلح و بشردوستی و همیشه سبب ایجاد خیر و برکت در زندگی مسلمانان جهان به‌ویژه ایرانیان بوده و هست تا آنجا که شور و شوق زیارت حرم آن حضرت با تاروپود زندگی مسلمانان گره خورده است. شاعر پایداری این شور و شوق را چنین به‌تصویر کشیده است:

این بارگاه داد/ یکسره بیدار است/ تعطیل و فصل ندارد/ طبیب این همه بیدار/  
 گره‌گشای این همه مشکل.../ آه ای امام هشتم/ ما با شما/ همیشه خانه یکی  
 هستیم/ خود زائر دلیم/ دل خانه شماست/ این مشهد شما.../ این مرقد مقدس/ این  
 صحن با صفا/ این گنبد طلا.../ ما را حلاوت بسیار/ سر سودن است و دست رساندن/  
 به آستان شما (صفا، ۱۳۹۱: ۵۱۹-۵۲۱).

صحن و سرای سرشار از معنویت امام‌رضا (علیه‌السلام) دل و جان انسان را مجذوب  
 ایجاد خلوت‌های روحانی می‌کند و همواره وجود این مرقد مقدس، انسان‌های  
 مؤمن، آگاه و حاجتمند را از اقصی‌نقاط ایران و جهان به خود فرامی‌خواند (محدثی  
 خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۶۹). وجود این ارتباط عینی و ملموس و الگوبودن شخصیت امام‌رضا  
 (علیه‌السلام) برای مسلمانان باعث شده تا در ادبیات پایداری مؤلفه‌هایی چون  
 سیمای فردی و اجتماعی آن حضرت، صحن و سرا، گلدسته، ضریح، کبوتران حرم و  
 گنبد طلا از بسامد بالایی برخوردار باشند و همین عامل، باعث شده تا ادبیات رضوی  
 شور و حال بیشتری پیدا کند و مورد توجه شاعران پایداری قرار گیرد. از آنجاکه در  
 عصر مدرنیته و پیشرفت فناوری، عواطف و احساسات بشری جایگاه چندانی ندارند  
 و حتی زمینه آرامش روحی بشر را فراهم نساخته است، وجود شخصیت امام‌رضا  
 (علیه‌السلام) - به‌ویژه حرم مطهر ایشان - فراهم‌کننده زمینه‌ای برای نزدیک‌شدن  
 قلب‌های بشری به یکدیگر است و آرامش خاطر و تلطیف روح را برای بشر به ارمغان  
 می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که میان امام و عاشقانش فاصله‌ای نیست و خانه و دل و حرم یکی  
 می‌شوند:

از راه دور هم/ این مرقد مقدس/ این صحن با صفا/ این گنبد طلا/ در چشم ماست/  
 ای قطب عاشقان/ به آستان شما/ در صبحگاه/ حال و زیارت/ پا بر کف اتاق/ سر  
 بر ضریح شما داریم/ این سر سپردگی عاشقانه را/ تا وادی ابد/ بر پا ستاده‌ایم  
 (صفا، ۱۳۹۱: ۵۲۰).

شاعر در این سروده با شوق و ذوق فراوان، خود را زائر دل می‌داند که بر گنبد

امام‌رضا (علیه‌السلام) مهمان شده است. او گنبد را ستاره‌ای درخشان و نماد صلح و آرامش بشری در دنیا می‌داند و چنان با شور به توصیف آن می‌پردازد که توجه انسان‌های آزاده را به‌سوی گنبد و گلدسته جلب می‌کند. مصراع «ای قطب عاشقان» به‌خوبی نمایش‌دهنده سیره اجتماعی امام‌رضا (علیه‌السلام) مانند صلح‌خواهی و صلح‌جویی، عدالت‌محوری، بشردوستی و امثال اینهاست و او را به الگویی برای بشریت و مرقدش را به مکانی برای ایجاد صلح و صفا و نزدیک کردن قلب‌ها به یکدیگر تبدیل کرده است.

شاعران پایداری (از جمله شاعران رضوی معاصر) به‌دلیل نابرابری‌های اجتماعی، همواره از روزگار و جامعه گلایه کرده و حاکمان وقتِ ستمگر را ناهلانی ریاکار می‌دانند که در پی فریب عوام هستند و خفقان شدیدی در جامعه ایجاد کرده‌اند که ناگزیر ارزش‌های انسانی در شب دیجور و ظلمانی جامعه رو به افول رفته و قشر فرهیخته جامعه قتل‌عام شده‌اند. در چنین جامعه‌ای، شاعر مأمنی جز توس و حرم امام‌رضا (علیه‌السلام) نمی‌یابد و از امام می‌خواهد که خود یارای ایستادگی در این شرایط نابسامان جامعه را به وی بدهد:

تیرگی انبوه شد پشت سحر	صبح در آفاق شب شد دربه‌در
نسخه‌ای نو در فریب آورده‌اند	بوسه دارویی که پنهان کرده‌اند
در دل این روزگار پرفسوس	عاشقان را کو پناهی غیر توس
تا نهد دل در رخت پا در رکاب	اشک پیش افتاد و دل را زد به آب

(موسوی‌گرمارودی، ۱۳۶۳: ۵۳).

شاعران پایداری بنا بر مناسک دینی و سیره امام‌رضا (علیه‌السلام) به شفاعت دردهای لاعلاج و بیماری‌های سخت توسط امام در اشعار خود می‌پردازند. آنان شفاعت را که نوعی توسل و حاجت‌خواهی است، به‌صورت بسیار گسترده و هنری بازتاب می‌دهند. این امر ناشی از وجود حرم مطهر امام (علیه‌السلام) در ایران است



که به عینیت و صمیمیت ارتباط شاعران با نمادها و مفاهیم مربوط به زندگی و شخصیت امام کمک شایانی می‌کند. آنان امام (علیه‌السلام) را رؤف و طیب دردهای زائران خویش می‌دانند و بیش از هر چیز نشان‌دهنده گفتگوی خالصانه و صادقانه شاعر دین‌باور و معتقد به آن حضرت در تأثیرپذیری از شخصیت فردی امام (علیه‌السلام) است:

ای کاش به هر کوچه زند بال نگاهم      امید تماشای تو را داشته باشم  
 من عالم این درد بزرگم، دل و این درد      زنهار که امید شفا داشته باشم  
 (وحیدی، ۱۳۸۶: ۱۹۱)

#### ۲-۱-۲ امام‌رضا (علیه‌السلام) مبارز آزادیخواه با پیروی از مبانی اسلام

شکیبایی و پایداری ریشه‌ها همه فضیلت‌ها و محور تمام خوبی‌هاست که همه راه‌های کمال به آن ختم می‌شود و دین و دیانت آن را اقتضا و شریعت آن را لازم می‌داند. شکیبایی و پایداری معصومین (علیهم‌السلام) در حفظ و نگهداری دین، بهترین نمونه شکیبایی و پایداری است که بر فراز قله تاریخ می‌درخشد. واقعیت این است، ضامن بقا و دوام دین چیزی جز شکیبایی و پایداری در دفاع از حق و حقیقت نیست و پیروزی و بهروزی جز در سایه آن به‌دست نمی‌آید (اصغری، ۱۳۸۹: ۶۷). زندگی انبیا، رسولان و صالحان با امر تبلیغ و دعوت پیوند خورده است و بدیهی است که رسالت و تبلیغ با شکیبایی و پایداری ارتباط نزدیکی دارد. امام‌رضا (علیه‌السلام) از نمونه‌های والای شکیبایی و پایداری در برابر حیل‌های ظالمان است:

مأمون به حکم نفس و تبار/ امر به حق‌زدایی بود/ از اهل حق/ هم قتل کرد/ هم  
 شکنجه‌گر روح بود/ در حبس زندگانی معصوم/ آماس زخم‌های پای پدر/ آن فرورونده  
 خشم/ یکسره در زندان می‌نالیدند (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۸۲۸).

آموزه‌های دینی شامل تعالیم اسلام در قالب قرآن کریم، نهج‌البلاغه، احادیث

و اندیشه‌های متفکران اسلامی است. قرآن به‌عنوان منشور مسلم جوامع اسلامی به جهاد، اهمیت دفاع از خود و سرزمین بسیار توجه می‌کند و مبارزه با دشمن متجاوز را «جهاد اصغر» می‌نامد؛ جهادی که بر هر فرد مسلمانی واجب و لازم است. در واقع، در نظر قرآن و اسلام، جهاد تلاش و کوشش هر فرد در راه خدا و مبارزه با دشمن مهاجم و به عبارتی دفاع مقدس است که برای دفع دشمن خارجی و تبلیغ دین، مبارزه با دشمنان دین، نجات ستمدیدگان، مبارزه با مفسدان و... لازم است (آقاخان‌بی‌نی، ۱۳۹۳: ۳۵). جهاد یکی از موضوعات بسیار مهم در قرآن کریم است و به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده است، اجازه جهاد و مقاومت داده می‌شود، زیرا خداوند بر یاری آنها تواناست: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج/۳۹). بر این اساس، جهاد در جهت حفظ دین، سرزمین، ناموس، شرف، آزادی، آبرو و دیگر عناصر مهم و ارزشمند زندگی، هم در مقابل دشمن خارجی و هم در مقابل هوس‌های نفسانی است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...» (همان: ۷۸)؛ اما همواره مسلمانان را به نبرد دعوت می‌کند، اما نه به‌عنوان یک کنشگر (جنگ‌افروز) بلکه به‌عنوان مدافع (جهادگر و پایداری): «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد) (بقره/۱۹۰). تأکید بر واژه «تجاوز نکردن» در این کتاب مقدس، نشان بر پایداری در مقابل تجاوز و جنگ است و بشر را به‌نوعی پایداری و جهاد در راه خدا در مقابل ناملايمات درونی و بیرونی دعوت می‌کند که اگر به شما تجاوز شد، به دفع آن بپردازید (آقاخان‌بی‌نی، ۱۳۹۳: ۳۶).

شاعران پایداری به عناوین و مناسبت‌های مختلف ارادت خود را به امام‌رضا (علیه‌السلام) نشان داده‌اند. جامعه ما به دلیل شیعی بودن همیشه به امام‌رضا (علیه‌السلام) و الگوگیری از زندگی آن حضرت، به خود بالیده و افتخار کرده است. بهره‌گیری از اسوه‌های دینی از آن جهت که روح پایداری یک ملت در آن نهفته است، برای جهاد در مقابله با دشمن بسیار کارگشا است:

همیمة عشق را شرر، از نفس دعا بزن      موج زنان برو برو، ببر به سر، قرار را  
نشسته خصم خاروش، به ساقه نگاه تو      به حربۀ مقاومت، بکن زریشه خار را

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۱).

شاعر پایداری امام را دارای صفات الهی می‌داند زیرا معتقد است حجت خدا بر زمین نمونه انسان کامل است و همواره باید از او در تمامی لحظات زندگی الگو گرفت. به همین دلیل، در پایداری و جهاد در راه خدا این گونه به وصف امام رضا (علیه السلام) می‌پردازد و با ترسیم ارزش شهادت و یادآوری ارزش فداکاری و ایثار، با استناد به آیه «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ...» (توبه/۱۷) علاوه بر دعوت و امیدواری مردم به ادامه پایداری، به یکی دیگر از عناصر فرهنگ رضوی، یعنی آزاداندیشی اشاره می‌کند:

و بازسازان دوباره می‌سازند/ وقتی بنای قامت آزادی/ در اتصال ظلم و گلوله/ شبانه روز  
ویرانه می‌شود/ و پرسش همیشه و هر روز/ از جان هوشیار جهان برمی‌خیزد/ مشرک  
تو را به بازسازی مسجد چه کار/ مأمون تو را به بازسازی مرقد چه کار؟ (صفا زاده، ۱۳۹۱: ۲۷۹).

مبارزه برای آزادی با تکیه بر آیات قرآن کریم و الگوگیری از زندگی امام رضا (علیه السلام) از بنیان‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است و روحیۀ آزادی و آزادی‌طلبی، یکی از مفاهیم ارزشمندی است که هر انسان آزاده‌ای برای آن احترام والایی قائل است و تا اوج فداکاری از حریم آن پاسداری می‌کند. «انسان در زندگی جویای آزادی است و تن به در بند بودن نمی‌دهد؛ چراکه آزادی و وارستگی و نپذیرفتن ذلت، یکی از اهداف والای انسانی است که زندگی را تحت شعاع خود قرار می‌دهد و آن را معنادارتر می‌کند.» (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۷). از آنجا که امام رضا (علیه السلام) به آزادی و آزاداندیشی مقید بودند، شاعران پایداری نیز از ظلم‌های مأمون در حق ایشان و رویکرد آزاداندیشی رضوی الگو گرفته‌اند. این الگوپذیری باعث شده تا مقصود فرهنگ پایداری رضوی را در واژگان شعری بریزند و پیام آزاداندیشی

رضوی را بازآفرینی کنند زیرا از موضوعات مهم در سیره و فرهنگ رضوی است و اصول آزاداندیشی امام‌رضا (علیه‌السلام) الگویی مناسب در زمینه ادبیات پایداری دینی و آیینی است (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۶). امام‌رضا (علیه‌السلام) روح آزاداندیشی اسلامی، گشاده‌رویی و سعه صدر را در زندگی خویش به همگان آموزاند و نشان داد که اسلام و آموزه‌های آن برخلاف تبلیغ بدخواهان و دروغ‌پردازان با زور سرنیزه و شمشیر بر مردم تحمیل نشده؛ بلکه یک پیشوای بزرگ اسلامی به مخالفان اجازه می‌دهد که هرگونه ایراد و اشکالی دارند، بی‌واهمه طرح کنند، اگرچه محوریت آن نفی اسلام و توحید و الوهیت باشد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۸: ۶۷). در واقع همین آزادگی و آزاداندیشی امام (علیه‌السلام) الگویی متعالی برای انسان‌هایی است که خواهان آزادی هستند و برای رسیدن به آن از هیچ چیزی واهمه ندارند:

شما که طالب آزادی هستید/ همواره گام‌های اجانب/ اعصابتان را/ لگدکوب کرده‌است/  
 زندان و روزه/ جنگ و گریز/ پیمان اعتراض/ بر ضد اتحاد تعرض/ این رشته طلوع و  
 غروب/ برنامه شبانه روز شماست (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۴۱۷).

امام‌رضا (علیه‌السلام) برترین انسان عصر خود در دانش و دانایی است و مجالسی را که مأمون با حضور دانشمندان ادیان گوناگون برای آزمودن دانش امام (علیه‌السلام) تشکیل می‌داد، بخشی از علم و دانایی حضرت را بر دیگران آشکار کرد و نشان داد که امام‌رضا (علیه‌السلام) سرآمد زمانه خویش در علوم مختلف است:

تاریخ چون به تو می‌رسد/ طواف می‌کند/ عرفان در ایستگاه حرمت/ پیاده  
 می‌شود/ و کلمه/ چون به تو می‌رسد/ به دربانی درگاهت/ به پاسداری می‌ایستد  
 (موسوی‌گرمارودی، ۱۳۹۳: ۲۶۱).

«کلمه»، همان دانایی و حکمت امام‌رضا (علیه‌السلام) است که شاعر برای بیان تمام دانش و دانایی و حکمت رضوی در بیانی هنری از کلمه بهره برده است. امام‌رضا (علیه‌السلام) شخصیت برجسته علمی عصر خویش در خلافت مأمون بوده که همواره با جهل و نادانی مبارزه و با شگردهای گوناگونی جامعه روزگارش را از ظلم، حيله

و ترفند مأمون و هم‌کیشانش آگاه می‌کرده است. از نظر امام (علیه‌السلام) تمامی ستم‌های که در جهان وجود دارد از جهل و نادانی آغاز شده است:

*این هیکل سیاه ستم/ مجموعه‌ای است/ از همه اندام‌های نامردی/ اندام‌های سرزده  
از/ ریشه‌های جهل (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۴۵۲).*

صفارزاده پیوسته ظلم و ستم تجاوزگران را ناشی از جهل انسان‌ها دانسته است. وی برای غنابخشیدن به اشعارش، به علم و فضیلت امام‌رضا (علیه‌السلام) اشاره کرده که با تسلط بر علم بی‌پایانش بر ظالمان غالب شده است و این علم می‌تواند قیام فرهنگی باشد که سرلوحه مبارزه در دفاع مقدس بوده است:

*ظلم از جوار جهل می‌آید/ در روح و قلب من/ که دشمنی‌ام با ظلم/ دیرینه است و  
دشمن‌ساز/ همیشگی کینه/ از آن مأمون است/ امیر شیطان‌ها/ سیاه‌کارتر از همتایانش/  
ابن‌ملجم و شمر (همان: ۸۲۷).*

ترسیدن و شجاعت‌نداشتن از علت‌های عمده سلطه قدرتمندان بر مردم است. «شجاعت و نترسیدن از غیر خدا چیزی است که در زندگی معصومین (علیهم‌السلام) نقطه اوج مبارزه آنان را با حاکمان جور زمان خود به‌خوبی آشکار می‌سازد. در پناه این مبارزه است که راه باطل حاکمان جور برملا و چهره واقعی آنان به مردم معرفی می‌شود» (اصغری، ۱۳۸۹: ۴۹). تاریخ درد و رنج‌های فراوانی را به خود دیده است، ولی هیچ‌یک از این محنت‌ها همچون ظلم، بر امامان و به‌ویژه امام‌رضا (علیه‌السلام) نبوده است. شاعر بی‌هیچ هراسی این رفتار ناشایست را به تصویر می‌کشد:

*ای تاریخ ظلم‌های سیاه/ ای اشقیای تاریخی/ پای از گلوی خسته انسان بردارید/ این  
پای بویناک/ سنگینی غل و زنجیر/ بر دست و پای امام/ جان‌ودل و نفس ما را/ به  
بند کشیده است/ باب‌الحوائج است امام (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۶۲۳).*

پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) باوجود تهدیدهای گوناگون، در هر فرصتی بی‌واهمه پرده از چهره حاکمان جور برمی‌داشتند و چهره واقعی آنان را برای مردم نمایان می‌کردند.

جهاد دیگر در راه خدا، جهاد اکبر یا همان مبارزه با هوی و هوس هاست. به همین دلیل، برای دفاع در مقابل هوی و هوس، باید به احکام دین عمل کرد. نماز فریضه‌ای است که انسان را از گناه دور می‌دارد و مهم‌ترین ابزار در جهاد اکبر است. نماز خواندن و با خدا بودن از ویژگی‌های برجسته ائمه است و از منظر امام‌رضا (علیه‌السلام) هیچ عملی برتر و باارزش‌تر از نماز نیست؛ لذا آن را در اول وقت اقامه می‌فرمود. و شاعر پایداری آن را به شکل بارزی به نمایش می‌گذارد:

تو نور خواندی و دل‌ها یگانه شد شاید      صدای سبز خداوند در گلویت بود

میان باغ سحر زمزم تلاوت تو      زلالی از اثر بهترین وضویت بود

(وحیدی، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

شاعر خود را زائر حرم امام‌رضا (علیه‌السلام) می‌داند و دوست دارد با قلبی مهربان و آکنده از شور و ذوق، همراه امام نماز بخواند زیرا نماز را مسیر رسیدن به نور و خدا می‌داند:

این وضوی تازه، این توسل این نماز      خط سیر روشن عبور می‌شود

(محبت، ۱۳۸۵: ۴)

شاعر پایداری در شعر زیر مسلمانان را به اتحاد دعوت می‌کند که جملگی از سیره ائمه (علیهم‌السلام) و به‌ویژه امام‌رضا (علیه‌السلام) پیروی کنند تا در هر دو دنیا، سربلند و پیروز باشند. وی امام‌رضا (علیه‌السلام) را آرمان بشری، سرچشمه نور حق، نگاه خدا و نمونه کامل معرفی می‌کند:

تویی نور فیاض و دل‌ها به‌سوی تو جاری      به چشم امید پیر و جوان می‌درخشی

نگاه خداوند جان‌پرور کائناتی      که بی‌منت از قله‌های زمان می‌درخشی

(وحیدی، ۱۳۸۶: ۱۶۹).

### ۳-۱-۱-۲ الگوگیری از اسوه‌های دینی (شخصیت امام‌رضا (علیه‌السلام))

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برای ملت ما ذاتاً ماهیتی مذهبی داشته و جنبه اعتقادی و دینی آن به مراتب پررنگ‌تر بوده است زیرا در آن دفاع از عقیده و آرمان‌ها در درجه اول اهمیت قرار گرفت، به گونه‌ای که «مدافع جنگ هشت‌ساله، با ایمان و اعتقاد به خدا و نیروی عظیم و قاهر او ایستادگی می‌کند. اگرچه چاشنی این عشق الهی موضوعات عام دیگری چون میهن و مردم می‌تواند باشد، اما وجه غالب آن همین اعتقاد باطنی است.» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۰۵) و پشتوانه آن نیز دین اسلام همراه با فرهنگ غنی آن بوده است. شاعران پایداری انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و رضوی، پیامبران و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را مطابق آرمان دینی و تحولات اجتماعی، رکن اساسی شعر خویش قرار می‌دهند و سبب افزایش گرایش به این الگوها می‌شوند. از آنجاکه این شخصیت‌ها مظهر و الگوی مبارزانی هستند که در راه میهن و عقایدشان جان‌برکف مبارزه کرده و در قیام خود تا آخر پایدار مانده‌اند، به انسان اطمینان و اعتماد لازم را برای مبارزه می‌دهند (امیری‌خراسانی و آخسن، ۱۳۹۱: ۳۲). شاعران پایداری در راستای تعهد خود در سراسر اشعارشان، نگاه مخاطب خویش را به این مهم جهت می‌دهند که باید از این اسوه‌های نیکو در زندگی‌شان سرمشق بگیرند.

زندگی پربار امام‌رضا (علیه‌السلام) صرف تعلیم و بیان حقایق اسلام، تصحیح فرهنگ دینی مسلمانان، مبارزه با مستکبران و خلفای غاصب، حمایت از محرومان و رهبری نیروهای انقلاب تشییع گردید. امام به مدت بیست‌سال، به وظایف الهی و اجتماعی خود عمل کرد و در ابلاغ کلمه حق و زنده‌نگه‌داشتن آن سخت کوشید و سرانجام پس از سال‌ها مبارزه به دست خلیفه عباسی مسموم شد و به شهادت رسید (قمی، ۱۳۷۷: ۹۶۴). حضور امام‌رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی شعر آیینی، شیعی و مذهبی دارای پیشینه‌ای طولانی است و شاعران در ادوار مختلف، ارادت خویش را به آن حضرت نشان داده‌اند؛ اما این حضور پس از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، پررنگ‌تر و چشمگیرتر شده است؛ به گونه‌ای که شاعر انقلاب

در وصفش می‌گوید:

چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند  
از نشابور بر موجی از لا گذشتی  
موج‌های پریشان تو را می‌شناسند  
ای که امواج طوفان تو را می‌شناسند  
اینک ای خوب، فصل غریبی سر آمد  
چون تمام غریبان تو را می‌شناسند

(امین‌پور، ۱۳۹۱: ۵۸)

«وحیدی» در اشعارش به این بُعد از زندگی آن حضرت توجه بسیار نشان داده است و امام‌رضا (علیه‌السلام) را از تبار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و الگویی برای مسلمانان می‌داند:

تو آیینۀ آفتابی، تو از نسل نور  
به دریا، به ساحل، کران تا کران می‌درخشی  
من آن آستان‌بوس پیرم، تو نور ولایت  
که با جرعه‌ای از محبت بر آن می‌درخشی

(وحیدی، ۱۳۸۶: ۱۷۰)

شاعر پایداری ضمن بیان هدف شهیدان، چگونه رفتن‌شان در راه هدف را نیز به نمایش می‌گذارد که برای عزت، حفظ و سربلندی دین و وطن راهی جبهه‌های نبرد شده‌اند و سکون و سکوت در مقابل دشمن هرگز در مرام چنین آزادمردانی که از امام‌رضا (علیه‌السلام) الگو گرفته‌اند، نیست:

بزرگ باد نامشان، بزرگ باد نامشان  
و تا همیشه سبز باد باغ احترامشان  
برای عزت وطن ز بند تن رها شدند  
که بی‌خیالی و سکون نبود در مرامشان

(نجاتی، ۱۳۸۹: ۸۹).

شاعر انقلاب و رضوی، دل‌های عاشقان آن حضرت را آهویی می‌داند که به حریم آن حضرت پناهنده شده‌اند و محتاج لطف و عنایت حضرت به آن‌هاست. بخشایشی که احتیاج به گریه و زاری هم ندارد:



دل همه رم خورده‌ست، آهوی شماس  
 جان‌های جهان گم‌شده کوی شماس  
 محتاج به گریه نیست بخشایش تان  
 این اشک هم از خجالت روی شماس  
 (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۰۵)

یکی از جلوه‌های مهم ادبیات پایداری «شناساندن چهره بیدادگران و تجاوزگران است و آنچه گونه ادبیات پایداری را پدید آورده است، ظلم و ستمی است که صاحبان قدرت بر زیردستان اعمال کرده و این‌گونه ادبی را در اعتراض به ظلم و ستم پدید آورده است» (امیری-خراسانی و آخشن، ۱۳۹۳: ۱۶). بر این اساس، امام‌رضا (علیه‌السلام) در برابر ظلم و ستم ناشی از استبداد مأمون بر مردم، همیشه هوشیار عمل می‌کرد و با آن به مبارزه فرهنگی می‌پرداخت. شاعر پایداری فضای استبدادی حکومت مأمون و تلاش و مبارزه امام‌رضا (علیه‌السلام) در مقابل آن را به تصویر کشیده است:

روزگار مردمی‌ها سوخته/ چهره نامردمی‌ها افروخته/ کینه‌ها در سینه انباشته/ پرچم  
 رنگ و ریا افراشته/ گر دلی مجروح گردد از جفا/ نیست گلخندی که تا یابد شفا/  
 خیل صیادان که در هر پشته‌اند/ آهوان دشت‌ها را کشته‌اند/ دشت سبز آما ز  
 خار و کاکتوس/ و ز تبر شد هیمة عود و آبنوس/ آب دریا تن به موج کف سپرد/  
 موج دریا اوج را از یاد برد/ جان به لب شد از ریاکاری شرف/ خوب‌بودن مرد و  
 بودن شد هدف/ آب هم آینه را گم کرده‌است/ سنگ در دل‌ها تراکم کرده‌است  
 (موسوی‌گرمارودی، ۱۳۹۳: ۲۶۱-۲۶۲).

اسوه‌های مذهبی در طول تاریخ به دلیل آنکه عمر خود را صرف مبارزه حق علیه باطل کرده‌اند، همواره منبع الهامی برای رزمندگان بوده‌اند؛ به‌همین دلیل، همیشه در شعر شاعران پایداری مایه و مضمون جلوه‌های پایداری و مبارزه به‌شمار می‌روند. شاعر پایداری، مبارزه با ظلم را رویکردی می‌داند که همواره در فرهنگ رضوی مشهود است زیرا این ویژگی را الگویی متعالی برای کسانی می‌داند که داعیه مبارزه با ظلم را دارند:

پای از گلوی خسته انسان بردارید/ سنگینی غل و زنجیر/ بر دست و پای امام/  
جان و دل و نفس ما را/ به بند کشیده است (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۶۲۳).

#### ۴-۱-۱-۲ ستایش شهادت امام رضا (علیه السلام)

ادبیات پایداری و رضوی با تأثیرپذیری از قرآن و حادثه عاشورا، علاوه بر راه و شیوه ایثارگری شهیدان، مرگ و شهادت آنان را نیز می‌ستایند زیرا در اسلام کشته‌شدن آگاهانه در راه خدا - که در راستای گسترش اهداف الهی و اسلامی است - بارها مورد تأکید قرار گرفته است. به همین دلیل، قرآن کریم به ستایش شهیدان می‌پردازد و می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (کسانی را که در راه خدا شهید شده‌اند، مرده مپندارید، بلکه زنده و جاودانند و نزد خدای خود روزی می‌خورند) (آل عمران/ ۱۶۹). پس فرهنگ ایثار و شهادت در دین اسلام دربردارنده «مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، باورها، اعتقادات و اعمالی است که موجب تقرب انسان به عالی‌ترین درجه کمال؛ یعنی انتخاب آگاهانه مرگ در راه خدا می‌گردد.» (رستمی، ۱۳۸۲: ۲۵).

تقدیس شهید و شهادت از مؤلفه‌های مهم ادبیات پایداری، فرهنگ رضوی و اصولاً شعر مذهبی است. پیشوایان دینی شیعیان هیچ‌گاه به مرگ طبیعی از دنیا نرفتند، بلکه با دسیسه و نیرنگ دشمنان طعم شیرین شهادت را چشیدند. شاعر پایداری در انعکاس فرهنگ رضوی، همواره این موضوع را در اشعار خود مدنظر داشته است و با تبیین جایگاه شهید و مفهوم شهادت، این باور را که ارزش وجودی آدمی فراتر و بالاتر از جهان مادی است و به‌عنوان یک الزام عملکردی و یک محرک فکری در برابر ستم تقویت می‌نماید، می‌ستاید و امام رضا (علیه السلام) را پس از شهادت در چنان منزلت و جایگاهی می‌داند که تمام کائنات در برابر او به احترام قیام کرده‌اند:

تو ایستاده زیستی/ هرچند/ با میوه درختی گوژ و نشسته/ مسمومت کردند/ اما  
شهادت/ تو را ایستاده درود گفت/ و اینک جایی که تو خوابیدی/ همه کائنات به احترام

ایستاده است/ من با اشک می نویسم/ شعر من عشق است (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۸۶).

«صفا زاده» در شعر رضوی خویش ضمن توصیف شهادت امام رضا (علیه السلام) در سرزمین مشهد، آن را مؤلفه‌ای مهم در ادبیات پایداری و فرهنگ رضوی می‌داند و به آن به‌عنوان اتفاقی مقدس و مقدر می‌نگرد:

این مشهد شما/ این سرفکنده/ سرزمین شهادت/ بیهوده فکر رقابت دارد با ما  
(صفا زاده، ۱۳۹۱: ۶۳۲).

شاعر شهادت حجت‌های خدا را پیروزی دین و شیعه برمی‌شمارد زیرا امامان (علیهم السلام) به دنیا دل نمی‌بندند و به جرم الهی زندگی کردن شهید می‌شوند. همچنین شاعر پایداری تصویرهایی که از فرهنگ رضوی و شهادت امام رضا (علیه السلام) نشان می‌دهد، صحنه‌هایی زیبا از عشق، شور، اخلاق و ایثار است:

در این حصارهاست/ که حجت‌ها همواره/ آماده شهادت هستند/ و نور چشم امام  
رضا(ع)/ و نور راه شیعه/ در تابناک جوانی/ به جرم فکر الهی/ از زهر مکر شیربان/  
مستور شد/ و با پرواز/ حصار دنیا را/ به جاهلان ستم‌پیشه وانهاد... (همان: ۶۳۲).

شاعران پایداری برای تشویق مردم به مبارزه علیه استبداد، با مضامین فرهنگ رضوی و زندگی امام رضا (علیه السلام) - به دلیل وجود مرقد آن حضرت در ایران اسلامی - پیوند نزدیکی برقرار می‌کنند و همین امر سبب می‌شود تا با محکوم کردن استبداد داخلی و حامیان آن و ستایش مجاهدان و ستم‌ستیزان راه آزادی، مردان و زنان مبارز را به حرکت خویش امیدوارتر سازند. آنان هدف امام رضا (علیه السلام) را دفاع از آزادی، فرهنگ و هویت مذهبی، انگیزه اجتماعی و اصلاح فرهنگی اوضاع و شرایط جامعه می‌دانند تا بتوانند بدین طریق به اثبات ولایت آن حضرت بپردازند. بنابراین «آنچه زندگی را برای انسان معنادار می‌کند و سبب می‌شود تا انسان برای دستیابی به آن قبول رنج و زحمت کند، داشتن هدف و معنا در زندگی است. پس وجود معنا

و هدف در زندگی برابر با رنج کشیدن است و به شرطی که معنا و مقصودی در آن رنج باشد و با درک از ارزش هدف و معنا، آرامشی درونی به فرد دست می‌دهد که رنج خود را بپذیرد و آن را به‌دوش بکشد. این عوامل باعث می‌شوند تا انسان آزادی خود را در برابر وضعی معین انتخاب کند و راه خود را برگزیند.» (فرانکل، ۱۳۹۳: ۴۵-۴۶).

شهادت امام‌رضا (علیه‌السلام) در پی احیای فرهنگ اسلام ناب محمدی، درس‌های بزرگی از عدالت و حقیقت و آزادی را به انسان‌ها آموخته است. «صفارزاده» سوگواری برای امام‌رضا (علیه‌السلام) را عامل وحدت‌آفرین برای شیعیان می‌داند و چنین به توصیف آن می‌پردازد:

*امام مستور/ امام مسموم/ مسموم زهر و زخم زبان/ شهادت امام غریب/ امام رضا (علیه‌السلام) / دو روز به سه شهادت/ با چشم اشکبار باید برخاست/ چشم غریبه‌ها/ همراه دسته‌ها (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۴۸۵)*

همچنین دیگر شاعران پایداری شیعه به‌نوبه خود در اشعارشان سعی کرده‌اند تا هدف و آزادی امام‌رضا (علیه‌السلام) را در شهادتش که ادامه راه پدرانش است، به نمایش بگذارند هرچند این موضوع در اشعارشان در حد توصیف است و به بن‌مایه و اصل ماجرا (تعریف هدف) نپرداخته‌اند:

*خدا می‌دانست/ چه درخت سبزی می‌نشاند/ و تو می‌بینی/ دستان التماس را/ در کرانه‌های ابری احساس/ و ما می‌خوانیم/ از پیشانی بلندت/ آیه‌ای که سجده واجب داشت.../ و آسمان/ به پاس نجابت/ آفتابی است (کباری، ۱۳۸۲: ۱۵۹).*

شاعر پایداری انقلاب و رضوی نه‌تنها خود را بلکه تمام عالم هستی را همراه خود در حادثه شهادت آن حضرت سوگوار می‌بیند. وی برای ابراز اندوهی که از شهادت امام‌رضا (علیه‌السلام) بر دل‌وجانش سایه افکنده، با الفاظی که بیانگر نزدیک‌بودن افراد از نظر رابطه دوستی است، شروع به درد دل می‌کند و می‌گوید که از فرط غم و اندوه عنان دل را از کف داده و از جهتی دیگر شاعر علت ساده و بی‌پیرایه‌بودن

شعرش را احساس دل‌تنگی و حسرت خویش به این اماکن می‌داند:

دل‌م که دست خودم نیست این دل غمگین همان دلی که جا مانده در گوهرشاد است

(برقعی، ۱۳۹۲: ۴۶)

با مقایسه امام‌رضا (علیه‌السلام) و هارون، خیر و شر به‌نوعی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. به‌همین دلیل، امام‌رضا (علیه‌السلام) نماد حق و مرقد شریفشان پس از شهادت، مأوایی برای تسلی قلب‌هاست و مأمون که از شریرترین انسان‌هاست، قبرش مایهٔ پند و عبرت است. شاعر از یک‌سو حضور امام را درک کرده و از طرفی با توجه به اینکه امام‌رضا (علیه‌السلام) از برگزیدگان خاص خداوند بر روی زمین بوده است، بنا بر اعتقاد شیعیان، زیارت ایشان گامی برای تقرب به خداوند است. به همین سبب شاعر پایداری زیارت مرقد امام (علیه‌السلام) را «حج فقیران» دانسته و در اشعارش این‌گونه بیان کرده است:

یازده بار به جای تو به مشهد رفتم بپذیرش! بخدا حج فقیران کم نیست

(همان: ۳۹)

ضمن ستایش شهید و شهادت، غریبی در فرهنگ ایرانی - اسلامی، صفت امام‌رضا (علیه‌السلام) است. امام‌رضا (علیه‌السلام) به‌سبب هجرت از مدینه به مرو و اقامت و شهادت در ایران و دفن شبانه و غریبانه، همواره با عنوان «غریب» یاد می‌شود. کمتر شعری درباره امام‌رضا (علیه‌السلام) می‌توان یافت که در آن به غربت ایشان اشاره‌ای نشده باشد.

از آنجاکه شاعران پایداری و رضوی متعهد هستند، مبارزه با استعمار را محور اندیشه‌های شعری خود قرار می‌دهند. «صفارزاده» در شعر زیر ضمن ستایش امام‌رضا (علیه‌السلام) به حضور سلطه‌گران در کشور معترض است و از همین روی خود را غریب می‌داند. وی همچنین در دنیای کنونی امام‌رضا (علیه‌السلام) را غریب نمی‌داند بلکه ما را غریب می‌داند که با امام انس نگرفته‌ایم و قدرش را ندانسته‌ایم،

هرچند لطف امام را ضامن غریبه‌ها و زائرانش می‌داند:

هرگز غریب نیست/ غریب ما هستیم/ که در دیار خودیم/ و در محاصرهٔ محرمانه  
بیگانه.../ لطف شما/ رسیدگی به غربت ماست (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۵۲۱).

علاوه بر غریبی امام (علیه‌السلام) عامهٔ مردم و همچنین شاعران امام را ضامن  
غریبان می‌داند:

پناهندهٔ توست آهوی گریان، ااما!  
تو بر بی‌پناهان ز عرش امان می‌درخشی  
به دنیای جان و دل من تو نور امیدی  
که بر پیکر مرده‌ام جانِ جان، می‌درخشی

(وحیدی، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۷۰)

پیکر برخی از شهدای دفاع مقدس در خاک عراق جا مانده است و همانند امام‌رضا  
(علیه‌السلام) غربت و تنهایی را درک کرده‌اند. شاعر برای مرهم گذاشتن بر درد خویش،  
از امام شفاعت می‌خواهد. به همین دلیل، با نگاهی عاطفی و هنری به فضای معنوی  
هویزه که سیمای امام‌رضا (علیه‌السلام) و حرم رضوی را با بیان واژگان و عبارتهایی  
همچون غریب، مشهد رضا، سخاوت باران و شاه خراسان تداعی می‌کند؛ عاطفهٔ  
شعری را در سرودهٔ خود گسترش و بار معنایی آن را افزایش می‌دهد. همچنین در  
سرودهٔ وی بیشترین کارکرد ترغیبی در انتقال پیام به‌سوی مخاطب است که در انتقال  
مفاهیم بیشترین اهمیت را دارد:

می‌آیم ای هویزه، قراری ده/ این عاشق غریب و پریشان را/ از مشهد رضای تو می‌آیم/  
می‌آورم به خلوت تو جان را/ آه ای هویزه، گل کن و زیبا باش/ بیدار کن سخاوت  
باران را/ امشب ز قطعه‌های بهشت آورد/ پیکری سلام شاه خراسان را (محدثی، ۱۳۸۸:  
۱۹۴).

یکی از رویکردهای مهم و جلوه‌های نقش‌آفرینی دوران دفاع مقدس، الگوگیری  
از قیام ائمه معصوم (علیه‌السلام) و تأکید بر معنویات و گرایش به سمت ارزش‌های

مقدس و معنوی به خصوص ایثار و شهادت است. شاعر پایداری، راه و شهادت امام‌رضا (علیه‌السلام) را ادامه‌دهندهٔ نهضت کربلای حسینی می‌داند که باید از آن همواره الگو گرفت:

ای خسرو زمان ای پادشاه طوس      چهرت ز زهر کین شد رنگ سندروس  
همدم اباذر می‌گفت صد افسوس      اما به کربلا چون شد صدای کوس

(فرخی‌یزدی، ۱۳۷۶: ۲۳۰).

## ۵-۱-۲ دفاع از محرومان، عدالت‌محوری و دادگری

این مورد یکی از پرشورترین مناسک دینی و آیینی شیعیان امام‌رضا (علیه‌السلام) است. دوستی مردم ایران نسبت به امام‌رضا (علیه‌السلام) امری عمومی است و سابقه‌ای طولانی دارد. از همان زمان هجرت حضرت از مدینه به طوس (خراسان قدیم)، در مسیر ورود به ایران می‌بینیم که در هر شهر و روستایی که امام (علیه‌السلام) وارد می‌شد، مورد استقبال قرار می‌گرفت. شکوه این استقبال در شهر نیشابور زبانه‌زد عام و خاص است. شاعر آرزو می‌کند ای کاش بر سر راه امام قرار می‌گرفت:

پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی      ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند  
کاش من هم عبور تو را دیده بودم      کوچه‌های خراسان، تو را می‌شناسند

(امین‌پور، ۱۳۹۱: ۵۸).

مورد دیگر برپایی نماز عید فطر بود که مورد استقبال مردم شهر طوس قرار گرفت؛ اما دستگاه حکومت از آن احساس خطر کرد و برنامهٔ نماز را تعطیل نمود. بنا به این دلایل، امام برای مردم ایران الگوی انسان واقعی، سرپرست و مولای آنان بود و مردم از جهات مختلفی حضرت را دوست داشتند و برایش احترام خاصی قایل بودند (قائمی، ۱۳۷۸: ۲۵۵). امروزه نیز مسلمانان و غیرمسلمانان پس از گذشت سال‌ها، به‌دلیل اخلاق و منش انسانی امام‌رضا (علیه‌السلام) همواره به ایشان

متوسل می‌شوند؛ چه روزهایی که شادند مانند هنگام تحویل سال نو و چه روزهایی که برای کمک‌خواستن و رفع بلاها به مشهد سفر و حرم امام را زیارت می‌کنند: خود را به پای پنجره افکنده‌اند/ چشمان منتظر/ یاران غمزده/ در صحن باور بی‌انتهای خویش/ به گریه آمده‌اند/ طبیب این همه بیمار/ گره‌گشای این همه مشکل (صفا زاده، ۱۳۹۱: ۵۲۱).

از خدمات امام‌رضا (علیه‌السلام) چه در عرصه حیات و در قالب روایت یا حدیث بعد از شهادت، دفاع از محرومان و سفارش ویژه در این زمینه است. چه بسیار افرادی که در مواقع گرفتاری به امام متوسل می‌شوند و او آنان را با مهربانی می‌پذیرد (ر.ک: رفیعی، ۱۳۸۲: ۲۸). امام‌رضا (علیه‌السلام) با توجه به آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات/ ۱۳) در دل مردم مهر می‌پروراند و برای آنان پدری مهربان و یاری وفادار بود. شاعر پایداری، درروازه حرم را امروزه به روی همه باز می‌بیند و نژاد و قومیت و امثال آن را مهم نمی‌داند؛ بلکه انسانیت، شرافت، درستی و پاکی و فروتنی - که از جمله ویژگی‌های اخلاقی امام‌رضا (علیه‌السلام) هستند - را مهم می‌داند و آنها را به نمایش می‌گذارد:

یاد پاک او که در دلت مرور می‌شود	ذهن تو چراغ روشن شعور می‌شود
هر چه اضطراب و هر چه خستگی روح	با همان نگاه اول از تو دور می‌شود
دل که می‌تپد و می‌تپد و می‌تپد	زیر سایه حرم صبور می‌شود

(محبت، ۱۳۸۵: ۴).

شاعران پایداری، عدالت امام‌رضا (علیه‌السلام) را سبب نجات و رهایی افراد طبقه پایین جامعه از غم و اندوهی می‌دانند که به‌واسطه ظلم حاکمان آنان را فراگرفته است. درحالی‌که پادشاهان عادل نیستند و بیشتر از اینکه با رعیت با عدالت رفتار کنند، به آنان ستم می‌کنند:



اختر برج عطا گوهر درج سخا      وارث موسی‌رضا آنکه علی شد بنام  
از تو به عالم شده بازوی ایمان قوی      یافته از عدل تو دین پیامبر قوام

(احمدی و نقوی‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

شاعر در این ابیات از عدالت امام‌رضا (علیه‌السلام) سخن به‌میان می‌آورد و آن را امری مهم و کارساز می‌داند. یکی اینکه سامان‌یابی جهان را مدیون عدالت امام‌رضا (علیه‌السلام) می‌داند و دیگر عدالت ایشان را عامل قوام و پایداری دین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یعنی دین مبین اسلام، توصیف می‌کند.

در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، رزمندگان از امام‌رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان پشتوانه مذهبی و الگوی خود در دفاع از محرومان و ارزش‌های زندگی بهره می‌بردند. شاعر پایداری در سروده زیر، از تلمیح به ضامن آهو بهره برده و پشتوانه معنوی را برای رزمندگان بازنمایی می‌کند که به پیروزی در نبرد می‌اندیشند. شاعر حس امیدواری را در رزمندگان بازسرای کرده و معتقد است که رزمندگان ایرانی از سرمایه‌های معنوی و ارزنده گوناگونی بهره دارند که یکی از آنها، پناه مظلومان؛ یعنی امام‌رضا (علیه‌السلام) است:

در این قطار، صدای ناله مولانا، شیر خدا و رستم دستان/ عین القضات و ضامن آهو/  
تمامی ایران... (قزوه، ۱۳۸۴: ۱۹۷).

امام‌رضا (علیه‌السلام) اسوه و الگوی دادگری است و در پیشگاه ایشان همه انسان‌ها یکسانند:

ناهید و کیوان و پروین/ صف در صف/ در کنار من و آن مرد روستا/ در مهمان‌خانه  
تو/ کاسه در دست/ به‌نوبت آش/ ایستاده‌ایم (موسوی‌گرمارودی، ۱۳۹۳: ۲۵۹).

اما جامعه زمان امام (علیه‌السلام) با وجود عدالت نامتناهی ایشان، آکنده از اختناق و ناعدالتی بوده است. شاعر در بیت‌های زیر از این اوضاع انتقاد کرده و از امام‌رضا (علیه‌السلام) یاری می‌خواهد و گوهر گم‌شده عدالت را در بارگاه آن حضرت که

مظهر دادگری و دادخواهی است، جستجو می‌کند. شاعر بر آن است که عاملان پلیدی ریاکارانه به دامان امام (علیه‌السلام) متوسل شده‌اند و اکنون هنگامی است که دادخواهی امام باید این سلسله سمپاشان را از ریشه بشکاند. اشعار زیر تجسم و تصویری از ظالمان و طایفه مأمونیان در زمان حال است:

تو باغ پنجره پولادی / و عطر عافیت از توست / تویی که طعمه سمپاشان بودی در غربت / هوای سمزده / در سرزمین پراکنده‌ست / و بیماران / کنار پنجره‌اند / و سمپاشان / چه سربلند / چه گستاخ / قدم به سوی تو برمی‌دارند / و کوی پاک تو را / پناه سمزدگان را / هزاربار به ننگ مکر و دروغ و قرق می‌آیند / هوا پر از درد است / هوا پر از بیماری / و پشت پنجره پولاد / شفای بیماری / دخیل بیماران / به دفع سلسله سمپاشان بسته است (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۸۱-۲۸۲).

### ۶-۱-۱-۲ اخلاق نیکو

یکی از ابعاد مهم زندگی امام‌رضا (علیه‌السلام) بُعد اخلاق و رفتارهای ایشان است. ویژگی‌های اخلاقی و فضایل وجودی آن حضرت به گونه‌ای بود که حتی دشمنان خویش را نیز شیفته و مجذوب خود کرده بود. آن حضرت با مردم در نهایت ادب، تواضع و مهربانی رفتار می‌کرد و هیچ‌گاه خود را از مردم جدا نمی‌کرد. در روایات آمده است: مردی از اهالی بلخ می‌گوید: «در سفر خراسان با امام‌رضا (علیه‌السلام) همراه بودم. روزی سفره گسترده بودند و همه خدمتگزاران و سیاهان را بر آن سفره نشانند تا همراه ایشان غذا بخورند. من به امام عرض کردم: فدایت شوم! بهتر است اینان بر سفره‌ای جداگانه بنشینند. امام فرمود: «پروردگار همه یکی است، پدر و مادر همه یکی است و پاداش هم به اعمال است.» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۰۱).

کمک کردن همیشه از صفات نیکوی امام‌رضا و دیگر ائمه (علیهم‌السلام) بوده است. در این زمینه نیز سفارش‌های فراوانی کرده‌اند. لطف و محبت امام نه تنها شامل اصحاب و نیازمندان است بلکه دشمنانش نیز از آن بهره می‌بردند. شاعر نیز

این بُعد اخلاقی امام را - که الگویی کامل است - این گونه به تصویر می کشد:

کمک می کرد به مردم/ به هر کی بود نیازمند/ می گفت که با این کار/ آدم می شه سربلند/ حتی به دشمنان هم/ او مهربانی می کرد... (خیبری، ۱۳۸۷: ۷).

### ۳. نتیجه گیری

پرداختن به کارکردهای جبهه حق و تقابل و نبرد با جبهه باطل، مؤلفه‌هایی تعریف می شوند که در تمامی دوران از ارزش و اهمیت خاصی برای پیروان جبهه حق برخوردار است. چنین مؤلفه‌هایی را «مؤلفه‌های پایداری» می توان نامید و تقریباً در تمامی کتاب‌ها و زندگی اسوه‌های دینی یافت می شود. توجه هر چه بیشتر به مؤلفه‌های پایداری، ریشه در صبر، استقامت و مبارزه با کفر دارد و باعث ترویج صلح و عدالت محوری می شود. این عوامل در مجموع مقاومت جامعه را بالا می برند و سبب تحرک و پویایی جامعه می شوند. بنابراین، کتاب‌ها، آموزه‌ها و اسوه‌های دینی از جمله مبانی ادبیات پایداری ایران زمین به شمار می روند.

پس از یاری گرفتن از منابع گوناگون و تحلیل اشعار شاعران پایداری معاصر، می توان گفت که با وجود مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام) در ایران اسلامی - که از دیرباز تاکنون تأثیر شگرفی در ادب فارسی داشته است - و همچنین جلوه‌های پایداری مانند شفاعت محرومان، جهاد در راه خدا و پیروی از تعالیم اسلامی، آزاداندیشی، اخلاق نیکو، ستایش شهادت امام رضا (علیه السلام) مبتنی بر آگاهی بخشی، دفاع از محرومان، عدالت محوری و دادگری، الگوگیری از اسوه‌های دینی و شخصیت امام رضا (علیه السلام) و بازتاب آنها در اشعار شاعران پایداری معاصر (و از جمله شاعران انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و رضوی)، سیره و فرهنگ رضوی مبتنی بر فرهنگ پایداری، می توان سیره و فرهنگ رضوی را یکی از مبانی ادبیات پایداری به شمار آورد.

## منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم‌شیرازی.
- احمدی‌بیرجندی، احمد؛ تقوی‌زاده، علی. (۱۳۷۷). *مدایح رضوی در شعر فارسی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ادیبی‌سده، مهدی. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*. چاپ سوم. تهران: سمت و دانشگاه اصفهان.
- اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۰). *از پایداری تا پرواز*. چاپ دوم. تهران: روایت فتح.
- اصغری، محمود. (۱۳۸۹). «تأثیر ویژگی‌های معصومین (ع) بر ماندگاری دین». *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*. ش ۸۶. صص: ۳۷-۷۲.
- امیری اسفندقه، مرتضی. (۱۳۸۳). *چین‌کلاغ*. چاپ اول. تهران: لوح‌زرین.
- امیری خراسانی، احمد؛ آخشن، قدرت. (۱۳۹۱). «اسوه‌های مذهبی در شعر دفاع مقدس». *ادبیات پایداری*. س ۴. ش ۷. صص: ۲۹-۵۸.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۹۱). *مجموعه کامل اشعار*. چاپ هشتم. تهران: مروارید.
- آقاخانی‌بیژنی، محمود. (۱۳۹۳). «تحلیل مفاهیم و ساختار طرح در انواع متون روایی ادبیات پایداری». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه شهرکرد.
- برقی، سیدمحمد رضا. (۱۳۹۲). *قبله مایل به تو*. چاپ دهم. تهران: فصل پنجم.
- خبیری، اکرم. (۱۳۸۷). *سیره عملی امام‌رضا (ع)*. مشهد: پیوند با امام.
- رستمی، پرستو. (۱۳۸۲). «تأثیر وجود فرهنگ شهادت‌طلبی در حفظ دین و ارزش‌های دینی». تهران: دفتر تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب.
- رفیعی، علی. (۱۳۸۲). *تاریخ تحلیلی پیشوایان*. چاپ اول. تهران: یاقوت.
- سنگری، محمد رضا. (۱۳۸۹). *شناخت ادبیات دفاع مقدس*. تهران: صریر.
- شفیعی، سیدضیاء‌الدین. (۱۳۸۷). *خیال‌های شهری*. تهران: تکا.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۹۱). *مجموعه اشعار*. چاپ اول. تهران: پارس‌کتاب.
- طاهری، قدرت‌الله. (۱۳۸۷). «نگاهی به جریان‌های شعری فعال در عصر انقلاب اسلامی». *کتاب ماه ادبیات*. ش ۱۳۶. صص: ۲۸-۴۱.
- فرانکل، ویکتور امیل. (۱۳۹۳). *انسان در جستجوی معنی*. مترجم: اکبر معارفی. چاپ یازدهم. تهران: دانشگاه تهران.
- فرخی‌یزدی، محمد. (۱۳۷۶). *دیوان اشعار*. به اهتمام حسین ملکی. تهران: جاویدان.
- قائمی، علی. (۱۳۷۸). *در مکتب آل محمد (ص)*. چاپ اول. تهران: امیری.
- قزوه، علیرضا. (۱۳۸۴). *قطار اندیمشک*. ج ۱. چاپ اول. تهران: لوح‌زرین.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۷). *منتهی الامال (زندگی چهارده معصوم)*. تهران: بهزاد.
- کاشانی، سپیده. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. تهران: انجمن قلم ایران.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان*. تهران: پالیزان.

- کباری، محمد. (۱۳۸۲). *از حنجره‌های شرقی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۲). *کافی*. چاپ دوم. تهران: اسلامیه.
- محبت، محمدجواد. (۱۳۸۵). *اشک لطف می‌کند*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- محدثی، جواد. (۱۳۸۰). *برگ و بار (گزیده اشعار)*. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.
- محدثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۸). *شعر آیینی*. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۸). *مناظره‌های تاریخی امام رضا(ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر*. چاپ دوم. تهران: آستان قدس رضوی.
- موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۶۳). *خط خون*. تهران: زوار.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۳). *گوشواره عرش*. چاپ چهارم. تهران: سوره مهر.
- نجاتی، پروانه. (۱۳۸۹). *داغ و دغدغه*. چاپ اول. شیراز: نویدشیراز.
- وحیدی، سیمین دخت. (۱۳۸۱). *هشت فصل سرخ و سبز*. تهران: برگ زیتون.